



بررسی آگاهی دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به سیاست‌های بین‌المللی گسترش زبان انگلیسی

سید عبدالحمید میرحسینی*

دانشیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه الزهرا

تهران، ایران

Email: mirhosseini@alzahra.ac.ir

نرگس سادات بدری**

(نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا

تهران، ایران

Email: honest.nsb@gmail.com



چکیده

زبان انگلیسی به‌عنوان زبان بین‌المللی گستردگی فراوان و کاربردهای گوناگونی یافته است و در کنار کارکردهای ابزاری آن به‌عنوان وسیله‌ای ارتباطی، ابعاد فرهنگی و اجتماعی (آموزش و یادگیری) زبان انگلیسی نیز اهمیت خاص یافته است. در این میان، میزان آگاهی فراگیران این زبان نسبت به کارکردهای فرهنگی آن یکی از موضوعات عمده مورد بحث در گستره آموزش زبان بوده است. از این‌رو، پژوهش حاضر کوششی است برای ارزیابی آگاهی دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به وجود سیاست‌هایی مدون از سوی کشورهای انگلیسی‌زبان برای بهره‌گیری فرهنگی در این زمینه. یافته‌های برآمده از بررسی پاسخ‌های تعداد ۶۵۶ نفر از دانشجویان دختر و پسر از رشته‌های مختلف پنج دانشگاه تهران به پرسشنامه‌ای درباره این موضوع و نیز مصاحبه با ۲۸ نفر از آنان نشان‌دهنده ناآگاهی یا آگاهی اندک بیشتر شرکت‌کنندگان از وجود سیاست‌ها و طرح‌های اجرایی مشخص در سطح بین‌المللی، به‌منظور گسترش زبان انگلیسی و بهره‌برداری از آن برای نفوذ فرهنگی است، که برخی ابعاد آن مورد بحث قرار خواهد گرفت.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۶

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

افزایش آگاهی، تلفظ، روش
فراشناختی، ویژگی‌های
عروضی، مهارت شنیداری

کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2020.292031.699

بدری، نرگس سادات، میرحسینی، سید عبدالحمید (۱۳۹۹). بررسی آگاهی دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به سیاست‌های بین‌المللی گسترش زبان انگلیسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱۰) ۲، ۳۰۰-۳۱۵.

Mirhosseini, Seyed-Abdolhamid, Badri, Narges Sadat (2020). Studying the Awareness of Iranian University Students about the International Policies for the Spread of English. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 300-315.

DOI: 10.22059/jflr.2020.292031.699

* زمینه‌های پژوهشی وی عبارتند از: ابعاد اجتماعی - سیاسی آموزش زبان؛ روش‌شناسی تحقیق کیفی؛ و مطالعات انتقادی زبان در جامعه.

** نرگس سادات بدری دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه الزهرا می باشد و مدت سه سال است که مشغول تدریس زبان انگلیسی است. زبان؛ روش‌شناسی تحقیق کیفی؛ و مطالعات انتقادی زبان در جامعه.



Studying the Awareness of Iranian University Students about the International Policies for the Spread of English



Seyyed-Abdolhamid Mirhosseini*
Associate Professor at Alzahra University,
Tehran, Iran
Email: mirhosseini@alzahra.ac.ir



Narges-Sadat Badri**
(corresponding author)
MA in Teaching English as a Foreign Language, Alzahra University,
Tehran, Iran
Email: honest.nsb@gmail.com

ABSTRACT

The English language has been increasingly embraced worldwide as a global means of communication and, apart from the instrumental applications of English as a communicative tool, the sociocultural aspects of (teaching and learning) English has also been increasingly debated. Within these debates, the awareness of language learners about the cultural functioning of English is a significant concern. Therefore, this study is an attempt to examine the awareness of university students in Tehran about the specific policies of English-speaking countries in this regard. The analysis of the responses of 656 male and female students in different fields of study at five major universities in Tehran to a questionnaire, along with interviews with 28 of these students, indicates meager awareness on the part of these students about the transnational plans for the spread of English as a means of cultural influence. Some aspects of the sociocultural implications of this condition for the language education discourse community and for the wider society are discussed.

ARTICLE INFO

Article history:
Received:
5th, November, 2019
Accepted:
15th, February, 2020
Available online:
Summer 2020

Keywords:

English teaching; language education policy; cultural influence; inquiry; awareness
language teaching; qualitative students'

DOI: 10.22059/jflr.2020.292031.699

© 2020 All rights reserved.

Mirhosseini, Seyyed-Abdolhamid, Badri, Narges Sadat (2020). Studying the Awareness of Iranian University Students about the International Policies for the Spread of English. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 300-315.
DOI: 10.22059/jflr.2020.292031.699

* His research areas include the sociopolitics of language education, qualitative research methodology, and critical studies of discourse in society.

** Narges-Sadat Badri received her MA in Teaching English as a Foreign Language from Alzahra University. She has been teaching English for three years.

۱. مقدمه

وجود گرایش فراگیر در یادگیری و استفاده از زبان انگلیسی تقریباً در سراسر جهان، از جمله ایران، و جاذبه‌ای که سال‌هاست این زبان توانسته به‌عنوان زبان بین‌المللی ایجاد کند، موضوعی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. در میان طیفی گسترده از توانمندی‌هایی که در قالب تحصیل در رشته‌های دانشگاهی و یا کسب مهارت‌های فنی، نظری، و هنری حاصل می‌شوند، تسلط بر زبان انگلیسی یکی از توانایی‌هایی است که به‌نظر می‌رسد در کنار بعد علمی که می‌تواند به‌عنوان دانایی برای واجدین خود فراهم کند، در میان ایرانیان تا حدی به‌عنوان نشان توانایی و ابزار کسب قدر و منزلت اجتماعی و حتی گاهی تفاخر نیز جایگاهی یافته است. تمایل بسیاری از مردم، قطع نظر از سن، جنسیت، تحصیلات، و موقعیت اجتماعی به‌استفاده از واژه‌های انگلیسی در مکالمات روزمره، علاقه و یا برخی اصرار والدین در نام‌نویسی فرزندان خود در کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی، گسترش قارچ‌گونه مراکز خصوصی آموزش این زبان، رقابت مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی در گنجانیدن درس زبان در سرفصل دروس خود، و به‌کارگیری حروف الفبای انگلیسی و یا طرح‌های حاوی واژگانی از این زبان در طراحی پوشاک، تبلیغات، چاپ و بسته بندی، و نشان‌های تجاری، همه را شاید بتوان گویای حس رغبت و رضایتمندی فارسی‌زبانان ایرانی در استفاده از زبان انگلیسی دانست (آرین خواه، Aryiankhan, ۲۰۲۰؛ برجیان، Borjian, ۲۰۱۳).

طبعاً موقعیت متفاوتی که این زبان در مقایسه با سایر زبان‌های خارجی در جامعه دارد را نمی‌توان تنها بر اساس نقش آن به عنوان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط و انتقال مفاهیم توجیه کرد، چرا که در این صورت زبان‌های خارجی دیگری نیز می‌توانستند این نقش را ایفا کنند.

موقعیت منحصر به فرد زبان انگلیسی محدود به جامعه ایران نبوده و در سراسر جهان شاهد تعداد فزاینده گویشورانی هستیم که به‌عنوان زبان دوم و یا زبان خارجی به‌انگلیسی تکلم می‌کنند. در این میان، افزون بر موضوع گسترش چشمگیر این زبان در سطح جهان، با توجه به نقش بی‌بدیل زبان‌ها از نظر انتقال و ارائه معیارهای فرهنگی، ابعاد جدی تری از این موضوع خودنمایی خواهند کرد. از آنجا که

مناسبات فرهنگی آمیخته با زبان انگلیسی می‌تواند از طریق یادگیری و به‌کارگیری زبان منتقل شود، اقبال جوامع غیر انگلیسی زبان به‌یادگیری و استفاده از انگلیسی، به‌واسطه آمیختگی با سبک زندگی و هنجارهای متعارف جوامع انگلیسی زبان، طبعاً زمینه تأثیر و تأثر فرهنگی در این فضا را فراهم می‌کند (پنی کوک، Pennycook, ۲۰۱۶، ۱۹۹۸، ۱۹۹۴؛ میرحسینی، سازور، و راشد، Mirhosseini, Sazvar, and Rashed, ۲۰۱۷). دغدغه ماهیت و ویژگی‌های این فضای بین‌فرهنگی و پیامدهای احتمالی آن برای فرهنگ و هویت جامعه، بویژه نسل جوان که هم بیشتر در این فضا قرار می‌گیرند و هم تأثیرپذیری بیشتری دارند، مجریان این پژوهش را بر آن داشت تا با تمرکز بر یکی از ابعاد متعدد این موضوع، دیدگاه دانشجویان برخی از دانشگاه‌های عمده تهران را در زمینه ضرورت یادگیری زبان انگلیسی و کاربردهایی که این زبان می‌تواند در زمینه‌های مختلف داشته باشد و نیز میزان آگاهی آنان نسبت به وجود سیاست‌ها و برنامه‌هایی هدفمند در گسترش زبان انگلیسی در سطح جهان مورد کندوکاو و بررسی قرار دهند. به‌طور مشخص پرسش‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از:

- از نظر دانشجویان دانشگاه‌های تهران، نقش و کارکردهای عمده زبان انگلیسی در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی در جهان امروز چیست؟
- با توجه به وجود سیاست‌ها و برنامه‌های اعلام شده در سطح جهانی برای ترویج زبان انگلیسی با هدف بهره‌برداری فرهنگی از آن، آگاهی این دانشجویان درباره این برنامه‌ها تا چه حد است و مواضع آنان در خصوص این سیاست‌ها چیست؟

۲. پیشینه نظری

در عصر حاضر که با عنوان "جهانی‌شدن" متمایز شده است، بروز دگرگونی‌های چشمگیر در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه اجتماعی و فرهنگی دور از انتظار نیست (احمدی پور، ۱۳۸۷؛ بایوردی و کریمیان، ۱۳۹۳). در حیطه زبان‌ها و فرهنگ‌ها، همزمان با پیدایش و گسترش این پدیده، بعضی از زبان‌ها با از دست دادن کاربران و گویشوران خود نقش ارتباطی کمرنگ‌تری در سطح جهانی، ملی، و حتی محلی می‌یابند و به‌مرور از عرصه ارتباطات اجتماعی بشر حذف می‌

شوند، و در عین حال برخی زبان‌های دیگر وسیع‌تر و پرکاربردتر ظاهر می‌شوند (احمدی‌نژاد و عباس‌نژاد، ۱۳۹۳). در چنین فضایی، همان‌طور که آقاگل‌زاده و داوری (۱۳۸۹) خاطر نشان می‌کنند، زبان انگلیسی زبانی است که امروزه در غالب جوامع جهان، جایگاهی منحصر به فرد یافته است. رابطه بین جهانی‌شدن و گسترش این زبان موضوعی است که از دید بسیاری از پژوهشگران دور نمانده است. وجود آثار منتشرشده متعدد (حسینی، ۱۳۹۵؛ آقاگل‌زاده و داوری، ۱۳۹۳؛ پنی کوک، ۱۹۹۸، ۲۰۰۷، ۲۰۱۰) نشان از درک اهمیت این موضوع دارد. امروز زبان انگلیسی، جهان را آنچنان در احاطه خود قرار داده که برای بسیاری، جهانی‌شدن مقارن با پیدایش زبان انگلیسی معنا یافته است (پنی کوک، ۲۰۰۷). افزون بر این، ارزش روزافزون و نمود فزاینده این زبان و کارکردهای متنوعی که در زمینه‌های گوناگون دارد (چودهری، Choudhury، ۲۰۱۴) در کنار تعداد بیشمار گویشورانی که به‌عنوان زبان اول، دوم یا زبان خارجی به انگلیسی گفت‌وگو می‌کنند، این زبان را تا مرتبه یک‌زبان بین‌المللی بی‌رقیب با محبوبیت فراوان، بالا برده‌است (فلوریس، Floris، ۲۰۱۴؛ سانگ، Sung، ۲۰۱۳).

در شرایطی که این زبان به‌چنین موقعیتی دست یافته، دور از انتظار نیست که آموزش زبان انگلیسی در دنیا نیز گسترش چشمگیر و بی‌سابقه‌ای یافته باشد. شاید بتوان گفت گستردگی امروز این زبان و جایگاه منحصر به فرد آن به‌عنوان یک‌زبان جهانی، ارتباط مستقیم با رشته آموزش زبان انگلیسی دارد. آموزش زبان انگلیسی نیز به‌واسطه برخورداری از ماهیت آموزشی و میزان اثرگذاری بالا در نشر مفاهیم و مصادیق وابسته به فرهنگ، قدرت چشمگیری در تغییر معیارهای هویتی و اجتماعی دارد (تفرشی و رضانی، ۱۳۹۱). در چنین فضایی، انگلیسی فزوتتر به‌عنوان زبان ارتباطات بین‌المللی در مرکز توجه قرار گرفته است و تصویری که از این پدیده فراگیر ارائه می‌شود، بیشتر مبتنی بر نگاه ابزاری به‌زبان صرفاً به‌عنوان وسیله‌ای ارتباطی است (پن و بلاک، Block & Pan، ۲۰۱۱؛ کامرون، Cameron، ۲۰۱۲؛ کانکانرانتا و سالمینن، Kankaanranta & Salminen، ۲۰۰۷). با این حال، آنچه مسلم است این است که اهمیت و تأثیر تلفیق عناصر فرهنگی و اجتماعی زبان در کنار قرابت و وابستگی ذاتی بین دو مقوله زبان و فرهنگ و تأثیر متقابل این

دو بر یکدیگر، آموزش زبان انگلیسی را به‌محملی برای انتقال و اشاعه‌الگوهای فرهنگی-اجتماعی تینده شده در این زبان تبدیل می‌کند (اسکاول، Scovel، ۱۹۹۴؛ کرمش، Kramersch، ۱۹۹۳؛ لاورنتوا و اورلاندباراک، Lavrenteva & Orland-Barak، ۲۰۱۵؛ هینکل، Hinkel، ۱۹۹۹). بر همین اساس، جنبه استعماری آموزش زبان انگلیسی در سراسر جهان، بویژه با توجه به سربرآوردن قدرت جهانی آمریکا در نیمه دوم قرن بیستم (پنی کوک، ۱۹۹۸، ۲۰۱۶؛ دیویی، Dewey، ۲۰۰۷؛ هوروبین، Horobin، ۲۰۱۶)، موضوع بحث‌های نسبتاً گسترده‌ای قرار گرفته است (فیلیپسون، Phillipson، ۱۹۹۲، ۲۰۱۶).

در ایران نیز پس از بیش از نیم‌قرن آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی اصلی در نظام آموزشی رسمی کشور، آموزش این زبان کمابیش پیرو جریان مسلط آن در سطح جهان است و همچنان از زاویه کاربرد ابزاری به‌آن نگریسته می‌شود (برجیان، ۲۰۱۳؛ حقیقی و نورتون، Haghghi & Norton، ۲۰۱۷؛ میرحسینی، Mirhosseini، ۲۰۱۵). با این حال، مطالعات معدودی کوشیده‌اند تا به‌برخی از دغدغه‌های اجتماعی-فرهنگی موجود در حیطه آموزش زبان انگلیسی بپردازند (پارسایان، Parsaiyan، ۲۰۱۴؛ تکی، Abdollahzadeh، Taki، ۲۰۰۸؛ عبدالله‌زاده و بنی‌اسد، Abdollahzadeh & Baniasad، ۲۰۱۰). بسیاری از رویکردهایی که در سراسر جهان، آموزش زبان انگلیسی را تحت سیطره خود دارند در فضای آموزش و پژوهش در این گستره در ایران نیز بازتاب و قابل مشاهده‌اند (میرحسینی، ۲۰۱۵؛ میرحسینی و غفارثمر، Mirhosseini & Ghafar Samad، ۲۰۱۵). همچنین، شاید به‌واسطه همین جو حاکم بر فضای آموزش زبان انگلیسی، دیدگاه مساعدی نسبت به سبک زندگی غربی در این فضا بازتولید می‌شود (میرحسینی، سازور، و راشد، Mirhosseini, Sazvar & Rashed، ۲۰۱۷).

در این میان، بویژه در ارتباط نزدیک با پژوهش حاضر و به‌عنوان بخشی مشخص از پیشینه نظری و پژوهشی آن، اخیراً مطالعه‌ای در زمینه سیاست‌های رسمی آمریکا در گستره آموزش زبان انگلیسی انجام شده است (بابو، Babu، ۲۰۱۸؛ میرحسینی و بابو، Mirhosseini & Babu، ۲۰۲۰). این سیاست‌ها در اسنادی که به‌صورت رسمی توسط نظام سیاسی آمریکا انتشار یافته منعکس شده‌است و پژوهش انجام شده

کوشیده است تا مسیر اصلی برنامه‌های گسترش آموزش زبان انگلیسی را در سراسر جهان در این اسناد باز نمایی کند. این پژوهش بر اساس تحلیل کیفی محتوای حجم زیادی از این اسناد که طی چنددهه منتشر شده‌اند، نشان می‌دهد که آمریکا ضمن تعقیب یک خط مشی روشن در سطح بین‌المللی، می‌کوشد تا با دستیابی به گروه‌های مختلفی از مردم و نفوذ به در اذهان ایشان، ارزش‌ها و فرهنگ آمریکایی را از طریق بستر آموزش و یادگیری زبان انگلیسی گسترش دهد. در مطالعه‌ای دیگر نشان داده شده است که اجرای این سیاست‌ها در سراسر جهان نیز مستقیماً توسط نمایندگی‌های سیاسی آمریکا هدایت و بعضاً به صورت مستقیم انجام می‌شود (متذکر، [Motezakker, 2019](#)).

به‌رغم وجود چنین پژوهش‌هایی، ظرفیت فرهنگی بالای زبان انگلیسی و حساسیت اجتماعی و سیاسی آن همچنان تحت‌الشعاع ویژگی‌های ابزاری این زبان قرار دارد. در مجموعه پژوهش‌هایی که در گستره آموزش زبان انگلیسی در ایران صورت گرفته، حتی بین پژوهش‌هایی که طرز فکر زبان‌آموزان را نسبت به وجوه متفاوت آموزش زبان انگلیسی بررسی می‌کند ([خوش‌سلیقه، جمالی، و سعیدیان، 2014](#); [رجبلو و شیروان، Rajablou & Shirvan, 2017](#)؛ [صادقی و ریچاردز، Sadeghi & Richards, 2016](#))، پژوهش‌های مربوط به ابعاد اجتماعی-سیاسی آموزش انگلیسی کاملاً در اقلیت قرار دارند. طبعاً دیدگاه‌هایی که درباره سیاست و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی در باره آموزش زبان وجود دارند نیز به‌ندرت بررسی و واکاوی شده‌اند. بنابراین، در پژوهش حاضر سعی بر این است که یکی از زوایای قابل بررسی درباره این موضوع مورد کندوکاو قرار گیرد و میزان آگاهی گروهی از دانشجویان نسبت به این موضوع ارزیابی شود.

۳. روش‌شناسی

موضوع این پژوهش، بررسی دیدگاه شماری از دانشجویان مقطع کارشناسی برخی دانشگاه‌های تهران نسبت به ضرورت یادگیری زبان انگلیسی و احساس نیاز آنان به فراگیری این زبان برای کاربردهای مختلف است. مسأله‌ای که به‌طور مشخص به آن پرداخته می‌شود، ثبت و تبیین نظرات این دانشجویان در رابطه با کارکردها و نقش زبان انگلیسی

برای تاثیرگذاری و فعالیت در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی است. افزون بر این، بر مبنای بحث ارائه شده در بخش قبل درباره وجود سیاست‌ها و برنامه‌های آشکار و اعلام شده در سطح جهانی، برای ترویج یادگیری و استفاده هرچه بیشتر از زبان انگلیسی، بخش مهمی از مسأله این پژوهش، چگونگی برداشت‌ها، میزان آگاهی و نوع مواضع این دانشجویان درباره این سیاست‌ها و برنامه‌هاست. روش کاربردی در این پژوهش، تلفیقی از روش پیمایشی مبتنی بر استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخت و انجام مصاحبه کیفی نیم‌ساختاریافته با شماری از پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه است.

۳-۱ شرکت‌کنندگان

بانگاهی به‌وجود برخی از مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور در تهران، بیشتر دانشجویان و دانش‌آموختگان این دانشگاه‌ها در زمینه‌های مختلف در کشور پیشرو به‌شمار می‌آیند و شاید بتوان دیدگاه‌های آنان را تا حد زیادی نشانگر دیدگاه‌های جامعه دانشجویی کشور دانست. اهمیت نظرات و آگاهی این دانشجویان درباره موضوعی مانند یادگیری و به‌کارگیری زبان انگلیسی این است که به‌نظر می‌رسد دیدگاه آن‌ها تا حد قابل توجهی بازتابگر کلیت دیدگاه جامعه و نیز مبنای رویکردهای آینده در جهت‌گیری‌های مدیریتی و اجرایی کشور باشد. از این رو، پنج دانشگاه دولتی در تهران به‌عنوان فضای انجام پژوهش انتخاب شدند: دانشگاه تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه صنعتی امیرکبیر، دانشگاه علامه طباطبایی، و دانشگاه الزهرا. این دانشگاه‌ها که همگی در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری دانشجو می‌پذیرند، ارائه دهنده طیف متنوعی از رشته‌های تحصیلی از قبیل فنی و مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی و اجتماعی، هنر و غیره می‌باشند.

از میان دانشجویان مقطع کارشناسی شاغل به تحصیل در پنج دانشگاه یادشده، تعداد ۶۵۶ دانشجوی دختر و پسر در این پژوهش شرکت کردند. انتخاب شرکت‌کنندگان به‌صورت تصادفی طبقه‌بندی شده انجام شد، به این معنی که افراد از نظر ویژگی‌های شخصی به‌صورت تصادفی انتخاب شدند، ولی انتخاب دانشجویان به‌گونه‌ای بود که نمایندگان گروه‌های مختلف از نظر دانشگاه محل تحصیل، جنسیت، و رشته به‌طور متناسب در پژوهش مشارکت داشته باشند. در مجموع ۶۵۶ نفر در دو گروه جنسیتی دختر و پسر و دو گروه رشته‌ای

علوم انسانی و اجتماعی (الهیات، حقوق، مدیریت، روانشناسی، و جامعه‌شناسی) و علوم پایه و فنی-مهندسی (مهندسی کامپیوتر، مهندسی صنایع، مهندسی برق، مهندسی مکانیک، فیزیک، و ریاضی) به پرسشنامه پاسخ دادند: دانشجویان پسر علوم انسانی و اجتماعی، ۱۶۰ نفر؛ دانشجویان دختر علوم انسانی و اجتماعی، ۱۵۴ نفر؛ دانشجویان پسر علوم پایه و فنی-مهندسی، ۱۷۰ نفر؛ و دانشجویان دختر علوم پایه و فنی-مهندسی، ۱۷۲ نفر. در مجموع ۲۸ نفر از این تعداد افزون بر پاسخ‌دادن به پرسشنامه، در مصاحبه نیز شرکت کردند.

۲-۳ گردآوری داده‌ها

پرسشنامه و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌عنوان دو ابزار اصلی گردآوری داده‌ها به‌کار گرفته شدند. پرسشنامه‌ای که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، در واقع پرسشنامه‌ای برای پژوهش گسترده‌تری بود که از میان موارد مطرح شده در آن، پاسخ ۱۱ مورد از آن‌ها تشکیل‌دهنده داده‌های پرسشنامه‌ای این پژوهش است. بایسته یادآوری است که گزینش بخشی از پرسشنامه، برای ارائه در محدوده یک‌پژوهش، خللی در داده‌ها وارد نمی‌آورد، چرا که این پرسشنامه؛ نه بر مبنای استانداردسازی آماری که به‌صورت غیراستاندارد و با سه‌گزینه برای بررسی بسامد پاسخ‌ها و سرانجام؛ بحث کیفی در کنار مصاحبه‌هاست، که در چندبار، درباره گویایی جمله‌ها نگریسته، بازنویسی و نظرخواهی شده بود. گفتنی است که طراحی و چینش این موارد در پرسشنامه فرایندی هدفمند برای فراهم آوردن داده‌هایی غنی و قابل بررسی بود که از یک‌سو مستلزم داشتن درک صحیح از فضای فکری و فرهنگی جامعه بود و از دیگر سو؛ مراجعه به آثار و پژوهش‌های مرتبط را طلب می‌کرد. به‌دنبال ساعت‌ها بحث و گفتگوی مجریان این پژوهش، پس از اصلاح و بازبینی‌های مکرر، پرسش‌نامه کلی برای پژوهشی فراگیرتر طراحی شد که ۱۱ مورد مطروحه در این مقاله نیز در آن گنجانده شده بود. در هر مورد از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود درباره جمله ارائه شده، نظر خود را از میان سه‌گزینه موافق، مخالف یا بدون نظر انتخاب کنند.

یازده مورد مطرح در این، در سه‌بخش قابل بحث است: اولین بخش شامل تنها یک‌مورد است که نظر پاسخ‌دهندگان

درباره ضرورت یادگیری زبان انگلیسی را درباره این‌نکته جویا می‌شد:

(۱) در جهان امروز، دانستن زبان انگلیسی یا یادگیری آن در حد امکان، ضرورتی غیرقابل انکار است. دومین‌بخش که در برگیرنده دو مورد است، از کاربردهای معمول زبان انگلیسی در سطح کارکرد ابزاری و عمدتاً در جهت دریافت یک جنبه اطلاعات مانند کاربرد علمی، شغلی، و تفریحی فراتر می‌روند. هدف این دو مورد؛ ثبت نگرش پاسخ‌دهندگان درباره به‌کارگیری انگلیسی است، با این تاکید؛ نه فقط به‌عنوان راهی برای دریافت و پذیرش صرف داده‌ها، بلکه برای ارائه دیدگاه‌های مبتنی بر محیط فرهنگی و اجتماعی کشوری مانند ایران و نیز برای افزایش قدرت نقد و موضع‌گیری:

(۲) تبلیغ ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایران در سطح جهانی از اهداف تسلط به‌زبان انگلیسی است،

(۳) دانستن زبان انگلیسی در شناخت دسیسه‌های قدرت‌های جهانی و رهایی از سلطه استکبار نقش دارد. این دو مورد، به کاربردهایی از زبان انگلیسی می‌پردازند که کمتر به‌عنوان کاربرد آن ذکر می‌شوند. سومین بخش که مشتمل بر هشت مورد است، بر مبنای دو مطالعه میرحسینی و بابو (۲۰۲۰) و متذکر (۲۰۱۸) با توجه به‌وجود سیاست‌ها و نیز برنامه‌های اجرایی آشکار و اعلام شده در جهت گسترش زبان انگلیسی با اهداف فرهنگی مشخص طراحی شده است. بررسی میزان آگاهی پاسخ‌دهندگان از وجود این سیاست‌ها و برنامه‌ها و به دست آوردن درکی درست از ذهنیت آنها نسبت به‌ماهیت و جهت‌گیری سیاسی-فرهنگی این برنامه‌ریزی‌ها، دغدغه اصلی این بخش به‌حساب می‌آید. هشت نکته بخش سوم شامل موارد زیر است و چینش آن‌ها نیز بر این اساس است که این موارد به‌ترتیب به‌سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آشکارتر و جدی‌تری اشاره دارند:

(۴) کشورهای انگلیسی زبان برای گسترش فرهنگ خود، آموزش زبان انگلیسی را تبلیغ می‌کنند.

(۵) نظام حکومتی آمریکا برنامه‌ریزی‌هایی هدفمند و هماهنگی برای گسترش زبان انگلیسی با هدف نفوذ فرهنگی دارد.

(۶) سال‌هاست که آمریکا با هدف گسترش فرهنگ خود و نفوذ در سایر کشورها برای آموزش زبان انگلیسی در سطح جهان برنامه‌ریزی می‌کند.

(۷) آمریکا برای ترویج ارزش‌های مورد نظر خود از طریق

آموزش زبان انگلیسی، مشخصاً در کشورهای اسلامی برنامه ریزی و هدف‌گذاری کرده است. (۸) مقامات آمریکا، از جمله نمایندگان کنگره، مستقیماً در برنامه‌ریزی برای ترویج ارزش‌های آمریکا از طریق آموزش زبان انگلیسی دخالت دارند. (۹) برنامه‌ریزی برای نفوذ فرهنگی از طریق زبان انگلیسی جزء برنامه‌های امنیتی آمریکا است. (۱۰) سازمان‌های امنیتی و سیاسی آمریکا مثل وزارت امور خارجه مجری طرح‌های نفوذ فرهنگی از طریق آموزش زبان انگلیسی در جهانند. (۱۱) شخص رئیس جمهور آمریکا در سیاست‌گذاری برای نفوذ و سلطه فرهنگی از طریق آموزش زبان انگلیسی نقش دارد.

وجود برخی محدودیت‌ها در ماهیت پرسشنامه، مانند ظرفیت محدود توضیح موضوعات در هر سوال و لزوم پاسخ‌گویی با گزینه‌های معدود مشخص، باعث می‌شوند که پرسشنامه، حائز کارآمدی لازم در واکاوی زوایای ذهن پاسخ‌دهندگان نباشد. از این رو، و با توجه به پرداختن به موضوعی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی و نیاز به واکاوی هرچه عمیق‌تر دیدگاه دانشجویان، با طراحی و برگزاری مصاحبه‌های کیفی نیمه‌ساختار یافته، تلاش شد این فرصت برای برخی از شرکت‌کنندگان در پژوهش فراهم شود که با تشریح اندیشه‌های خود به‌روشن‌تر شدن موضوع مورد بحث کمک‌کنند. از میان آنانی که به پرسشنامه پاسخ دادند، هفت نفر از هر یک از چهار گروه و در مجموع ۲۸ نفر در مصاحبه شرکت کردند. مصاحبه در سه محور و بر اساس سه‌بخش اصلی پرسشنامه‌ها که توضیح داده شده به‌انجام رسید. در انتهای بخش سوم مصاحبه، برخی مستندها مربوط به وجود سیاست‌ها و برنامه‌های مشخص برای گسترش آموزش زبان انگلیسی در جهان، برگرفته از پژوهش میرحسینی و بابو (۲۰۲۰) به شرکت‌کنندگان در مصاحبه ارائه شد تا واکنش آن‌ها نسبت به این مستندها نیز ثبت شود. مصاحبه‌ها ضبط و بازنویسی شد و برای تکمیل یافته‌های حاصل از پرسشنامه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

۳-۳ تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری تمامی ۶۵۶ پرسشنامه، مرحله بررسی و تحلیل آن‌ها آغاز گردید. همان‌طور که گفته شد، طراحی

پرسشنامه بر اساس استانداردهای آماری انجام نشد، و تحلیل داده‌های حاصل نیز به‌صورت توصیفی برای هر یک از موارد یازده‌گانه و بر اساس بسامد انتخاب هر یک از سه پاسخ انجام شد. مجموع تعداد پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به هریک از موارد پرسشنامه محاسبه شد و به‌صورتی که در بخش بعد آمده است، به‌عنوان مبنای بررسی دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شد. در بخش مصاحبه‌ها نیز گفتگوهای ضبط‌شده با شرکت‌کنندگان بازنویسی شد و با روش تحلیلی موضوعی بر مبنای نظریه زمینه (چارمز، Charmaz, ۲۰۰۶) و از طریق کدگذاری موضوعی تحلیل شد. نتایج حاصل از بررسی مصاحبه‌ها در کنار یافته‌های مربوط به پرسشنامه‌ها قرار گرفت که در مجموع در بحث‌های ارائه شده در بخش مطرح گردیده است.

۴. یافته‌ها

آنچه در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد، یافته‌هایی است که بر اساس پرسشنامه‌ها و مصاحبه‌های انجام شده و با در نظر گرفتن سه‌محور پژوهش که در بخش‌های قبلی تشریح شد، حاصل شده است. بر اساس این سه‌محور، مباحث تحت عنوان "ضرورتی غیر قابل انکار؟" به‌اعتقاد کلی دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش به‌ضرورت فراگیری انگلیسی در جهان امروز می‌پردازد؛ "کاربردها از نوعی دیگر" به‌ارائه تصویری از دیدگاه دانشجویان می‌پردازد درباره کاربرد این زبان در گستره فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی در محدوده فراتر از دریافت صرف و در راستای بیان و تبیین مواضع بومی برای مخاطبان مختلف در سراسر جهان؛ و سرانجام "توهم یا توطئه؟" تصویرگر میزان آگاهی و هشیاری شرکت‌کنندگان در پژوهش است نسبت به وجود و کارکرد سیاست‌های مدون و اعلام شده کشورهای انگلیسی‌زبان (مشخصاً آمریکا) برای گسترش نفوذ فرهنگی خود با استفاده از آموزش زبان انگلیسی.

۴-۱ ضرورتی غیر قابل انکار؟

آنچه در پاسخ به اولین سوال پرسشنامه درباره ضرورت غیر قابل انکار انگلیسی در دنیای امروز جلب نظر می‌کند و شاید بتوان آن را یکی از تأمل‌برانگیزترین یافته‌های این پژوهش دانست، توافق ۱۰۰ درصدی آن‌ها بر این موضوع

است. همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، از میان ۶۵۶ شرکت‌کننده که از نظر تنوع رشته و دانشگاه محل تحصیل، طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند، حتی یک نفر در این زمینه اعلام مخالفت و یا تردید و بی‌طرفی نمی‌کند. با وجود لحن نسبتاً قاطع جمله بیان‌شده، عدم ابراز حتی یک‌نظر مخالف و یا مردد را می‌توان نشانگر پذیرش زبان انگلیسی به‌عنوان نیازی مسلم در بین این دانشجویان و احتمالاً به‌طور کلی در سطح جامعه ایران دانست.

جدول ۱: نظر پاسخ‌دهندگان به سوال اول پرسشنامه (۱) درباره ضرورت

فراگیری زبان انگلیسی

مجموع	علوم پایه و فنی			علوم انسانی و اجتماعی		
	دختر			پسر		
= - +	= - +	= - +	= - +	= - +	= - +	= - +
۰ ۰ ۶۵۶	۰ ۰ ۱۷۲	۰ ۰ ۱۷۰	۰ ۰ ۱۵۴	۰ ۰ ۱۶۰	۰ ۰ ۱۶۰	۰ ۰ ۱۶۰

(+ : موافق، - : مخالف، = : بدون نظر)

تحلیل کیفی مصاحبه‌ها نیز مؤید آن است که از دید مصاحبه‌شوندگان یادگیری زبان انگلیسی ضرورتی است انکار نشدنی که همه متفق‌القول بر آن اذعان دارند. در راستای همین دیدگاه، یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیان اینکه "امروز دانستن زبان انگلیسی و تسلط به آن واجب است" سعی داشت تا اهمیت پرداختن به این زبان را تصریح نماید. با توجه به بار معنایی کلمه "واجب" به‌راحتی می‌توان به تأکید مصاحبه‌شونده بر الزامی بودن این موضوع پی‌برد. در همین راستا، در بین اظهاراتی که مصاحبه‌شوندگان درباره موضوع مورد بحث بیان داشتند، تقریباً همه نظرات نشانگر ضرورت یادگیری این زبان است. آنچه در ادامه ارائه می‌شود نمونه‌هایی از این اظهارات است:

- "خوب معلومه! همه باید زبان بلد باشن."
- "به نظر من یاد گرفتن زبان انگلیسی یک ضرورته! اونهم یک ضرورت واقعی و نه کاذب."
- "البته که لازمه! اون هم توی جهان امروز! اگر کسی یه کم به‌دور و بر خودش دقت کنه و تحولات روز دنیا رو بررسی کنه، متوجه میشه که نسبت به گذشته واقعاً ضرورت پیدا کرده که همه زبان بلد باشن؛ حداقل متوجه بشن حالا اگر کامل هم نمی‌تونن صحبت کنن."

- "امروز اینقدر این تمایل برای یادگیری زبان انگلیسی زیاده که به چشم میاد و کاملاً هم قابل درکه. امروز یاد گرفتن زبان انگلیسی خیلی ضروریه؛ سراغ هرکاری می‌خوای بری خوبه که انگلیسی بلد باشی."

در میان گفته‌های مصاحبه‌شوندگان که همگی نشان‌دهنده انکارناپذیر بودن لزوم تحصیل زبان انگلیسی‌اند، نمونه‌ای به چشم می‌خورد که با لحنی مصمم‌تر بر وضوح و مسلم بودن این ضرورت صحنه می‌گذارد: "خوب! این که اصلاً پرسیدن نداره! معلومه دیگه! سوال بعدی لطفاً." به نظر می‌رسد نیاز به یادگیری زبان انگلیسی مقوله‌ای است که توسط مصاحبه‌شوندگان بدیهی به‌شمار می‌آید. با نگاهی کنجکاوانه به نوع انتخاب واژگان از سوی مصاحبه‌شوندگان و ساختار واژگانی موجود در کلامشان، می‌توان به موضع مشخص آن‌ها نسبت به موضوع مورد بحث پی برد. تکرار عباراتی نظیر "خیلی ضروری"، "خیلی لازم"، "خیلی مهم"، و "البته که لازم" همگی وجوهی از توافق شرکت‌کنندگان در مصاحبه را نسبت به این امر روشن می‌سازند. به‌عنوان نمونه‌ای دیگر از آنچه نمایانگر ذهنیات دانشجویان شرکت‌کننده در مصاحبه است، گزیده زیر قابل ذکر است:

- "امروز پیش پا افتاده‌ترین کاری که هرکس ممکنه به‌اون احتیاج داشته باشه استفاده از یک موبایل ساده است. برای این کار باید انگلیسی بلد باشی. حالا فکرشو بکن بخوای کارهای خیلی مهم‌تر انجام بدی."

شاید بتوان ریشه چنین دیدگاه‌هایی را جایی در کاربردهای وسیعی که این‌زبان در عرصه‌های گوناگون یافته است جستجو کرد. امروزه، با توجه به گستردگی این زبان در قالب طیف متنوعی از کاربردهای عمدتاً ابزاری، اظهار چنین عقیده‌ای از جانب دانشجویان دور از ذهن به‌نظر نمی‌رسد. در پژوهشی جامع‌تر که توسط پژوهشگران همین پژوهش به‌انجام رسید (میرحسینی و بدری، [Mirhosseini & Badri, 2018](#))، که شرکت‌کنندگان نسبت به‌انگیزه‌هایی که سبب ایجاد تمایلی چشمگیر برای آموختن زبان انگلیسی در بین ایرانیان شده‌است اظهار نظر کردند، اکثریت پاسخ‌دهندگان کسب جایگاه اجتماعی، تحصیلات عالی،

موفقیت شغلی، سرگرمی، مهاجرت، پرورش قوای ذهنی، و کسب درک فرهنگی و اجتماعی عمیق‌تر را اهدافی دانستند که برای نیل به آن‌ها به یادگیری زبان انگلیسی می‌پردازند. ماهیت ابزاری وجه مشترکی است که بین تمامی این انگیزه‌ها دیده می‌شود.

۴-۲ کاربردها از نوعی دیگر

تبلیغ ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایران در سطح بین‌المللی و همچنین شناخت دسیسه‌های قدرت‌های جهانی و رهایی از سلطه استکبار، دو کارکرد زبان انگلیسی به‌شمار می‌روند که به‌واسطه برخورداری از ماهیت فرهنگی و سیاسی و نیز عملکردی متفاوت نسبت به کاربردهای ابزاری، متمایز به‌نظر می‌رسند. رویکرد این دو کاربرد به‌گونه‌ای است که مخاطب را با ابعاد جدیدی از دانستن زبان انگلیسی مواجه می‌سازد. در حالی که کاربردهای ابزاری عمدتاً با دریافت و پذیرش منفعلانه محتوای ارائه شده به‌زبان انگلیسی تعریف می‌شود، این دو کاربرد بر ارائه محتوا به‌زبان انگلیسی و کارکرد فعال متمرکز است. با توجه به‌اهتمام اندک در معرفی و استفاده از چنین کاربردهایی از سوی سیاستگذاران و فعالان عرصه فرهنگ از گذشته تا امروز، نیاز به‌تیین به‌کارگیری زبان انگلیسی در چنین حوزه‌هایی احساس می‌شود. آنچه در این قسمت ارائه می‌شود بررسی آرای شرکت‌کنندگان در رابطه با این نوع از کاربردهای زبان انگلیسی است. هدف پژوهندگان از گنج‌نایدن این دو کاربرد در پرسشنامه و مصاحبه، تلاش در جهت روشن ساختن میزان آگاهی پاسخ‌دهندگان از نقش و اثرگذاری این دو کاربرد فرهنگی-سیاسی در آموزش زبان انگلیسی بوده است.

در بررسی کلی اطلاعات به‌دست آمده از پرسشنامه، آن‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، در نگاه اول اظهار بی‌طرفی و یا نوعی بی‌اطلاعی از جانب اکثریت پاسخ‌دهندگان به‌چشم می‌خورد که گزینه "نظری ندارم" را ترجیح می‌دهند. اتخاذ چنین موضعی از جانب پاسخ‌دهندگان را شاید بتوان حاکی از بی‌خبری یا بی‌تفاوتی نسبت به‌این نوع کاربردهای زبان انگلیسی دانست. از میان کسانی که مشخصاً با انتخاب یکی از دو گزینه موافق یا مخالف بیان موضع کرده‌اند، بیشتر پاسخ‌دهندگان گروه علوم پایه و فنی-مهندسی با انتخاب گزینه موافق در هر دو مورد، بر اهمیت این نوع کاربرد صحه

می‌گذارند. با وجود این که انتظار می‌رود شرکت‌کنندگان مجموعه علوم انسانی آگاهی و تمایل بیشتری نسبت به‌این نوع کاربرد زبان از موضع فعال داشته باشند، این گروه از دانشجویان در مجموع توافقی کمتری با این کاربردها دارند. این گروه از دانشجویان شرکت‌کننده در پژوهش، در باره نقش زبان انگلیسی در تبلیغ ارزش‌های اسلامی و فرهنگ ایران در سطح جهانی بیشتر گزینه موافق را انتخاب می‌کنند. اما در مواجهه با موضوع کاربرد آن برای شناخت دسیسه‌های ابر قدرت‌های جهانی و رهایی از سلطه استکبار، بیشتر گزینه مخالف را برمی‌گزینند.

جدول ۲: نظر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه درباره دو کاربرد خاص زبان

انگلیسی

مجموع	علوم پایه و فنی						علوم انسانی و اجتماعی							
	دختر			پسر			دختر			پسر				
	=	-	+	=	-	+	=	-	+	=	-	+		
۲۴۶	۱۲۴	۲۲۵	۶۰	۳۷	۷۵	۷۳	۳۸	۵۹	۸۲	۲۵	۴۷	۹۲	۲۴	۴۴
۲۵۴	۲۲۴	۱۷۸	۵۷	۴۸	۶۷	۶۴	۵۴	۵۲	۷۲	۶۰	۲۲	۶۱	۶۲	۳۷

(+): موافق، (-): مخالف، (=): بدون نظر)

در تبیین این ارقام، تحلیل نظرات برخی از شرکت‌کنندگان که در مصاحبه‌های منعکس شده نشان می‌دهد که بعضی از آن‌ها نسبت به‌اعتبار این دو کاربرد زبان انگلیسی موضعی مردد داشته و چنانچه بخواهند نقش سیاسی و فرهنگی زبان انگلیسی را تأیید کنند، در نهایت آن را منحصر به‌قشر خاصی از جامعه می‌دانند و نه عموم مردم. در راستای همین دیدگاه، شماری از پاسخ‌دهندگان در جواب به‌سوال مصاحبه‌کننده با نام بردن صریح از دو گروه اجتماعی مثل روحانیونی که در پی تبلیغ معارف اسلامی‌اند و همچنین فعالان سیاسی در سیاست‌گذاری سطح کلان کشور، آشکارا بر محدود بودن طیف کسانی که می‌توانند به‌این دو صورت از زبان استفاده کنند، تأکید می‌کنند. این دیدگاه در بین گزینه‌هایی از مصاحبه‌ها که در ادامه می‌آید قابل مشاهده است:

- "زبان انگلیسی در این زمینه هم ممکنه کمک کنه ولی به‌درد همه نمی‌خوره. به‌درد کسانی می‌خوره که در حوزه‌های علمیه تحصیل می‌کنند و به‌عنوان مبلغ به‌کشورهای خارجی می‌رن برای معرفی کردن اسلام."

- "یادم میاد زمانی که خودم در حوزه دانشجویی فعالیت می‌کردم روی آشنایی طلبه‌ها با زبان انگلیسی خیلی کار می‌شد تا از این طریق بتونم دین اسلام رو به مردم بشناسونم."
- "این کاربردهایی نیستن که به درد مردم عادی بخوره. بیشتر به درد سیاسیون و کله‌گنده‌ها می‌خوره."
- "البته یادگیری زبان انگلیسی برای همه خوبه ولی برای مسئولین مملکتی که با خارجی‌ها سر و کار دارن و لازمه که با چشم باز و آگاهی تمام با اونها برخورد کنن، ضروری‌تر به نظر می‌رسه."
- "آره خوب! زبان انگلیسی در این زمینه‌ها هم می‌تونه مفید واقع بشه ولی نه برای همه. برای کسانی خوبه که با دسیسه‌های غرب سر و کار دارن و لازمه که از اونها آگاهی کافی و اطلاعات دقیقی داشته باشن."

بر اساس دیدگاه مصاحبه‌شوندگانی که نظراتشان در گزیده‌های اخیر منعکس شده است، می‌توان دریافت که از دید ایشان، این دو کاربرد در گروه انگیزه‌هایی که عموم ایرانیان را به یادگیری زبان انگلیسی ترغیب می‌کنند واقع نمی‌شوند. با توجه به‌خاستگاه چنین کاربردهایی که همگی درون مرزهای فرهنگی ایران تعریف شده و همچنین با در نظر گرفتن جهت‌گیری خاص آن‌ها، هرگونه ساده‌اندیشی و بی‌خبری از جانب پاسخ‌دهندگان جای درنگ دارد. در ادامه بررسی و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از مصاحبه‌ها، عقیده عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان با طرز فکری کاملاً مخالف نیز قابل توجه است. این گروه بر خلاف پاسخ‌دهندگانی که نظراتشان ذکر شد، به محدود کردن دامنه فعالیت و اثرگذاری این دو کاربرد اکتفا نکرده و با ابراز مخالفت صد در صدی، عملکردهای فرهنگی-سیاسی زبان انگلیسی را انکار می‌کنند. در تعدادی از گزیده‌های برگرفته از مصاحبه‌ها که در ادامه ارائه می‌شود، موضع مخالف این گروه مشهود است:

- "اصلاً ربطی به هم ندارند. برای مبارزه با دشمن و سیاست‌های غرب، فکر و اندیشه سیاسی لازمه نه انگلیسی بلد بودن."
- "الان وضعیت جامعه ما یه جوریه که هر کس که

- انگلیسی یاد می‌گیره بیشتر خودش شبیه اونا میشه تا اینکه بخواد باهاشون مبارزه کنه."
 - "برای رسیدن به چنین اهدافی، انگلیسی یاد گرفتن چندان کمک‌کننده نیست. واقعیت اینه که اصلاً کافی نیست. چیزهای خیلی مهم تری لازمه که از عهده مسئولین مملکتی و سران نظام برمیاد."
- البته در بین این نظرات مخالف، معدود اظهاراتی حاکی از موافقت برخی پاسخ‌دهندگان با تأثیر فراگیری زبان انگلیسی در تبیین فرهنگ ایرانی و اسلامی و شناسایی توطئه‌های غرب نیز دیده می‌شود. آنچه در پی می‌آید نقل قولی از یکی از مصاحبه‌شوندگان است که چنین موضعی دارد:

- "ما در حال حاضر درگیر جنگ نرم هستیم و دشمنان ما به چشم هدف فرهنگی برای ضربه زدن به ما نگاه می‌کنن. در صورت آشنا شدن با این دانش می‌تونیم از اون به‌عنوان اسلحه‌ای برای مقابله با نقشه‌های دشمن استفاده کنیم."

در راستای همین دیدگاه، برخی دیگر از شرکت‌کنندگان ضمن تأیید نقش دانستن انگلیسی به‌عنوان وسیله‌ای مؤثر در تقویت بنیه دفاع فرهنگی که می‌تواند ایرانیان را در مقابله با نقشه‌ها و حمله‌های فرهنگی دشمنان مجهز و مقاوم سازد، جانبداری خود را از تأثیر بسزای یادگیری این زبان برای حضور و فعالیت در حیطه فرهنگ و سیاست ابراز می‌دارند. گزیده‌های زیر، گویای همین نگاه است:

- "شاید همون اول به ذهن خطور نکنه ولی خوب که فکر می‌کنم به نظر می‌رسه انگلیسی بلد بودن، می‌تونه در این جهت کمک کنه. در شرایط فعلی که دشمن به شدت داره تلاش می‌کنه تا فرهنگ ما رو از بین ببره، با فهمیدن و سر در آوردن از زبان انگلیسی قطعاً بهتر و محکم‌تر می‌تونیم جلو بشون بایستیم. یعنی از زبان خودشون علیه خودشون استفاده کنیم."
- "مطمئنم که یاد گرفتن زبان انگلیسی توی حوزه‌هایی مثل سیاست و فرهنگ هم خیلی مؤثره. بالاخره هرچی باشه زبان همون کسایی هست که دشمن ما هستن. زبانشونو بلد باشیم، طبیعتاً

خودشون و اهدافشون رو هم بهتر می‌تونیم بشناسیم."

۴-۳ توهم یا توطئه؟

همان‌طور که در بخش مربوط به گردآوری داده‌ها تشریح شد، آخرین بخش از پرسشنامه بر اساس مستندات تنظیم شده است که حاکی از وجود سیاست‌هایی منسجم و مدون برای گسترش آموزش زبان انگلیسی در دنیایند، بر پایه این مستندات، هر یک از هشت موردی که در این بخش از پرسشنامه منعکس شده‌اند، واقعیت خارجی دارند و همه قابل تأیید و موافقت هستند. به عبارت دیگر، بر اساس اسنادی که در دسترس عموم قرار دارد و بررسی‌های انجام شده درباره آنها (متذکر، ۲۰۱۹؛ میرحسینی و بابو، ۲۰۲۰)، درباره این هشت عبارت می‌توان با اطمینان گفت: (۴) کشورهای انگلیسی زبان، انگلیسی را تبلیغ می‌کنند، (۵) آمریکا انگلیسی را با هدف نفوذ فرهنگی گسترش می‌دهد، (۶) سال‌هاست که این برنامه‌ریزی انجام می‌شود، (۷) این ترویج مشخصاً در کشورهای اسلامی انجام می‌شود، (۸) مقامات آمریکا در این امر دخالت مستقیم دارند، (۹) زبان انگلیسی جزء برنامه‌های امنیتی آمریکاست، (۱۰) سازمان‌های امنیتی و سیاسی آمریکا خود مجری این طرح‌ها هستند، و (۱۱) شخص رئیس‌جمهور آمریکا در این سیاست‌گذاری نقش دارد.

پاسخ شرکت‌کنندگان به پرسشنامه نشان می‌دهد که اکثریت قابل توجه آنان مخالفت خود را نسبت به وجود چنین حقایقی اعلام می‌کنند. همچنین فاصله عددی موجود بین تعداد انتخاب‌های مخالف با تعداد انتخاب گزینه بدون نظر مؤید آن است که غالب پاسخ‌دهندگان در ابراز مخالفت قطعی خود با وجود سیاست‌ها و برنامه‌هایی مشخص برای گسترش زبان انگلیسی تردید چندانی به خود راه نداده و به جای حداقل ابراز بی‌اطلاعی، ترجیح می‌دهند به‌طور صریح وجود طرح‌های هدفمند و منسجم در این زمینه را انکار کنند. آنچه که از مقایسه نظرات گروه علوم انسانی و اجتماعی در مقایسه با گروه علوم پایه و فنی-مهندسی حاصل می‌شود، برقراری تشابه کلی در دیدگاه‌های دو گروه است. با این حال، تعداد انتخاب گزینه موافق در گروه علوم پایه و فنی-مهندسی در مورد این بخش از پرسشنامه نیز اندکی بیشتر است. این تفاوت در دیدگاه، هرچند مختصر، می‌تواند نقطه شروع برای

پژوهش بیشتر در این گستره باشد.

جدول ۳: نظر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه درباره وجود سیاست‌هایی برای

گسترش زبان انگلیسی

مجموع	علوم پایه و فنی									علوم انسانی و اجتماعی													
	دختر			پسر			دختر			پسر			دختر			پسر							
	=	-	+	=	-	+	=	-	+	=	-	+	=	-	+	=	-	+					
۱۸۹	۲۹۶	۱۷۱	۴۷	۵۱	۷۴	۵۱	۴۵	۶۳	۳۷	۹۸	۱۹	۵۴	۹۱	۱۵	(۴) وجود برنامه تبلیغی								
۷۷	۳۷۷	۲۰۲	۱۰	۹۱	۶۱	۳۳	۸۰	۵۸	۱۸	۹۸	۳۸	۱۷	۱۰۸	۳۵	(۵) تبلیغ توسط آمریکا								
۱۹۴	۲۸۶	۱۷۹	۱۷	۸۰	۷۵	۳۱	۸۴	۵۵	۶۵	۲۴	۸۱	۵۷	۲۲	(۶) سال‌ها برنامه‌ریزی									
۱۵۸	۳۲۲	۱۳۹	۲۸	۹۹	۴۵	۲۱	۱۰۰	۴۹	۵۹	۷۳	۲۲	۷۷	۶۰	۳۳	(۷) در کشورهای اسلامی								
۱۹۵	۳۷۷	۸۴	۴۱	۱۱۵	۱۶	۳۳	۱۱۷	۲۱	۵۵	۷۵	۲۴	۶۷	۷۰	۳۳	(۸) مقامات آمریکایی								
۱۶۹	۳۷۲	۱۱۵	۱۳	۱۱۹	۴۰	۳۰	۱۱۰	۳۰	۵۴	۷۵	۲۵	۷۲	۶۸	۲۰	(۹) در برنامه‌های امنیتی								
۱۵۴	۳۷۵	۱۲۷	۲۹	۱۱۵	۲۸	۲۴	۱۲۵	۲۱	۴۴	۷۰	۴۰	۵۷	۶۵	۳۸	(۱۰) سازمان‌های مجری								
۱۶۸	۴۲۰	۶۸	۳۳	۱۲۴	۱۵	۲۲	۱۳۰	۱۸	۴۳	۹۳	۱۸	۷۰	۷۳	۱۷	(۱۱) رئیس‌جمهور آمریکا								

(+ : موافق، - : مخالف، = : بدون نظر)

در ادامه بررسی دیدگاه شرکت‌کنندگان، افزون بر اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه، دیدگاه‌های منعکس شده در مصاحبه نیز مورد مطالعه قرار گرفت. طبعاً مهم‌ترین توضیحات ارائه شده در راستای موضع نفی سیاست‌ها و برنامه‌هایی مدون برای گسترش زبان انگلیسی و اجرای آن توسط خود ساختارهای سیاسی کشورهای انگلیسی زبان و مخصوصاً آمریکا قرار داشت. همان‌طور که در نمونه‌های زیر آمده است، کلماتی مانند "توهم"، "خیال"، "توهم توطئه"، و "بدبینی" کاملاً منطبق با دیدگاه غالب منعکس شده در پرسشنامه برای مخالفت با وجود چنین سیاست‌ها و برنامه‌هایی است:

- "همه اینها توهمه! خیاله! ما عادت کردیم به همه چیز اینجوری نگاه کنیم. به نظر من هیچ سیاست و توطئه‌ای در کار نیست. انگلیسی زبان راحتی؛ برای

همین همه دوست دارن یاد بگیرن."

- "ما همش توی توهم توطئه زندگی می‌کنیم. اینم
یه توهم دیگه."
- "لزومی نداره اینقدر بدبین باشیم. من اصلاً دلیلی
نمی‌بینم."

از قرار دادن چنین موضعی که وجود توطئه‌های فرهنگی را مردود می‌داند در کنار موافقت صددرصدی و بی‌قید همه پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه که نسبت به ضرورت یادگیری زبان انگلیسی ابراز شده بود، تصویری حاصل می‌شود که گویای آن است که این دانشجویان و شاید بسیاری اقشار دیگر در حالی نسبت به فراگیری این زبان علاقه‌مندند و اقدام می‌کنند که از پیامدهای مخرب آن بی‌اطلاند و همین عدم آگاهی شاید زمینه‌ساز موفقیت هرچه تمام‌تر سیاست‌ها و برنامه‌های گسترش زبان انگلیسی با هدف نفوذ فرهنگی در جهان باشد. عبارات زیر که نمونه‌هایی دیگر از تعبیر به کار رفته در مصاحبه‌هایند، بیانگر ابعاد دیگری از این عدم آگاهی است:

- "کی؟ آمریکایی‌ها؟ فکر نکنم!"
- "آمریکا اهداف سیاسی و اقتصادی خیلی مهم‌تری
در دنیا داره. چرا باید روی تخریب فرهنگ ما
متمرکز بشه، اونم از این طریق؟"
- "یعنی واقعاً از زبان انگلیسی برای از بین بردن
فرهنگ ما داره استفاده میشه؟ تا حالا بهش فکر
نکرده بودم."

در ادامه مصاحبه، منتخبی از برخی اسناد منتشر شده که صراحتاً به وجود سیاست‌های فرهنگی کشورهای انگلیسی زبان در گستره آموزش زبان انگلیسی اشاره دارد به شرکت‌کنندگان در مصاحبه ارائه شد. حسی آمیخته از تعجب و انکار که در چهره برخی از مصاحبه‌شوندگان در حین مصاحبه نمایان می‌شد، نخستین نمود بیرونی بود که از موضع فکری ایشان در ابتدای مواجهه با وجود چنین سیاست‌هایی ناشی می‌شد. عباراتی مانند: "واقعاً؟"، "جدی میگی؟"، "اینایی که گفتی راسته؟"، و "مطمئنی؟" که همگی از بین اظهارات ایشان استخراج شده، حاکی از همین نابوری است. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان نیز پس از روبرو شدن با این مستندات سعی کردند اظهار نظری نکنند، مانند یکی از

آن‌ها که گفت: "خوب! حالا من چی بگم؟ اصلاً بی‌خیال! لابد تو راست میگی." برخی دیگر از دانشجویان نیز نه با اطمینان بلکه با پذیرش فقط احتمال وجود چنین هدف‌گذاری‌هایی، از منظر یک‌گمانه به موضوع نگاه کردند. عبارات منتخب زیر حکایت از وجود همین دیدگاه مردد در بین این گروه دارد:

- "آمریکا یک کشوریه که از قدیم/لایم دوست داشته به کشورهای دیگه سلطه داشته باشه. حالا اگه از زبان انگلیسی هم بخواد در همین راستا استفاده کنه، قاعدتاً نباید تعجب کرد."
- "آمریکا کارش استعمار و استثماره. حالا چه سیاسی، چه اقتصادی. و البته ظاهراً فرهنگی هم هست."
- "وقتی آمریکا یک همچین قدرتی داره که همه جهان رو دست خودش بگیره، شاید سعی کنه نفوذ فرهنگی هم داشته باشه. ما باید هنر داشته باشیم و این اجازه رو ندیم."
- "احتمالش وجود داره. همه کشورها دوست دارن فرهنگ و زبان خودشون رو گسترش بدن. آمریکایی‌ها هم حتماً همین طورن."

معدودی از کسانی که در مصاحبه شرکت کردند با تصدیق اثرگذاری برنامه‌ریزی‌های آمریکا در گستره فرهنگ، به‌اظ نظر در مورد شرایط فرهنگی فعلی جامعه ایران پرداختند. بر اساس دیدگاه این عده، روند نزولی وضعیت فرهنگ در جامعه ایران از گذشته تا امروز متأثر از همین برنامه‌هاست. یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیان اینکه "امروز اوضاع فرهنگی مردم نسبت به قبل خیلی فرق کرده؛ روز به روز نسل‌های جوونتر بیشتر دارن سقوط می‌کنن و از اصل خودشون فاصله می‌گیرن"، به همین مفهوم اشاره داشت. او با این استدلال که "بالاخره اینها نمی‌تونه بی‌دلیل باشه"، به تلویح سیاست‌گذاری‌های غرب را منشأ و ریشه بروز چنین تغییراتی دانست. یکی دیگر از دانشجویان نیز با اشاره به همین دگرگونی‌ها و مقایسه بعضی شاخصه‌های فرهنگی جامعه دیروز و امروز ایران، با اطمینان از عملکرد تأثیرگذار سیاست‌های فرهنگی آمریکا صحبت کرد:

- "امروز، روابط بین دختر و پسر خیلی عادی شده."

اگر وضعیت فرهنگی که در حال حاضر توی جامعه ما حاکمه، مقایسه بشه با چیزی که زمان پدران و مادران ما حاکم بوده، به راحتی میشه فهمید سیاست‌های آمریکا برای گسترش فرهنگ خودش واقعاً مؤثر بوده. احتیاجی به ارائه مدرک هم نیست. همه چیز واضح و روشنه."

با این حال، بی‌اطلاعی و یا بی‌تفاوتی شمار قابل توجهی از شرکت‌کنندگان در این پژوهش که نمایندگان جامعه دانشگاهی ایران (و به نوعی نمایندگان تمامی اقشار کشور) به حساب می‌آیند نسبت به سیاست‌های نرم و خزنده که تلاش دارند با استفاده از ابزاری به نام آموزش و یادگیری زبان انگلیسی اهداف فرهنگی مشخصی را پی‌گیری کنند، کاملاً چشمگیر است. اعتقاد قاطع به ضرورت غیر قابل انکار یادگیری زبان انگلیسی در جهان امروز، عدم توجه جدی و تأمل در زمینه به‌کارگیری فعال و هدفمند زبان انگلیسی به جای استفاده منفعلانه، و عدم آگاهی قابل توجه نسبت به اهداف فرهنگی مستتر در فرایند آموزش و یادگیری زبان انگلیسی، خیل عظیم فراگیران زبان را به اهداف آسیب‌پذیری برای برنامه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در این زمینه در سطح جهان بدل می‌کند.

۵. بحث و نتیجه

یافته‌هایی که در بخش قبل ارائه شد تا حد زیادی مؤید بحث‌هایی است که پیش از این به صورت‌های مختلف و در محیط‌های گوناگون درباره ابعاد فرهنگی و اجتماعی آموزش زبان انگلیسی مطرح شده است. از یک سو، همان‌گونه که برخی پژوهندگان گفته‌اند (پن و بلاک، ۲۰۱۱؛ کامرون، ۲۰۱۲؛ میرحسینی و بدری، ۲۰۱۸) محمل شناخته شده و رایج یادگیری و استفاده روزافزون از زبان انگلیسی توسط غیر انگلیسی‌زبانان، کاربردهای ابزاری این زبان به صورت‌ها متنوع است. این امر خود سبب می‌شود، عملاً ابعاد پیچیده‌تر نقش فرهنگی و اجتماعی زبان عموماً مغفول بماند. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد دغدغه مالکیت زبان و استفاده فعال و نه منفعلانه از آن نیز که پیش از این در معدود مواردی طرح شده است (میرحسینی، ۲۰۰۸) با توجه به دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان این پژوهش دغدغه‌ای جدی است.

این دو مقوله را در مطالعه حاضر باید در کنار مباحث نسبتاً گسترده مربوط به نقش فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و حتی اقتصادی آموزش زبان انگلیسی در جهان امروز (پنی کوک، ۱۹۹۸، ۱۹۹۴؛ پنی کوک و کونتند مارین، Pennycook & Coutand-Marin، ۲۰۰۳؛ فیلیسون، ۲۰۱۶، ۱۹۹۲؛ میرحسینی و بابو، ۲۰۲۰؛ میرحسینی، سازور، و راشد، ۲۰۱۷) قرار داد. با توجه به مجموعه این مقولات، میزان (عدم) آگاهی شرکت‌کنندگان در این پژوهش نسبت به سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در پس آموزش زبان انگلیسی توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. بی‌خبری یا گاهی اعراض شرکت‌کنندگان از پذیرش وجود برنامه‌هایی حساب شده و هدف‌گذاری معطوف به نفوذ در این زمینه شاید مهم‌ترین یافته این پژوهش باشد. کسانی که در این پژوهش شرکت داشتند و نظراتشان از طریق پرسشنامه و مصاحبه جمع‌آوری و بررسی شد، بخشی از جامعه دانشگاهی ایران هستند که دیدگاه و باورهایشان به واسطه نقش اثرگذاری که می‌توانند در آینده در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی کشور ایفا کنند حائز اهمیت است.

با توجه به ماهیت عرصه فرهنگ، فعالیت اثرگذار و ایجاد دگرگونی در این حوزه نیازمند به‌کارگیری ابزاری مؤثر و متناسب با اقتضات این عرصه است. در این میان، انتخاب آموزش زبان انگلیسی از سوی ایده پردازان و مجریان سیاست‌های نفوذ فرهنگی در سایر کشورها بازگوکننده کارایی، اثربخشی، و ظرفیت بالای این زبان برای تبدیل شدن به یک ابزار کارآمد فرهنگی است. از این رو، در جامعه‌ای نظیر ایران وجود اشتیاق مفراط برای یادگیری زبان انگلیسی در کنار عدم آگاهی کافی از تهدیدات فرهنگی مستتر در آن می‌تواند زمینه‌ساز خلق بستری بالقوه برای آسیب‌های فرهنگی مختلف گردد. ناآگاهی و یا مخالفت صریح بسیاری از شرکت‌کنندگان در این پژوهش به عنوان نمونه‌ای از دیدگاه و طرز فکر جامعه ایران از این نظر دارای اهمیت مضاعف است که دانشجویان امروز سیاست‌گذاران کلان عرصه سیاست، فعالان فرهنگی، اساتید، معلمان، و بسیاری دیگر از اقشار مؤثر جامعه فردا خواهند بود.

تبعاً جلوگیری از صدمات فرهنگی بالقوه در این زمینه از طریق راهکارهایی سطحی مانند خودداری از آموزش و یادگیری زبان انگلیسی یا منع آن نیست، چرا که در جهان

زبان به منظور معرفی و صدور ارزش‌های ایرانی و اسلامی دیگر راهکاری است که در فضای فعلی جامعه ما نیاز به پرداختن به آن احساس می‌شود. علاوه بر آنچه ذکر گردید، متون و روش‌های آموزش و ارزیابی زبان انگلیسی را می‌توان به گونه‌ای طراحی نمود که انتقال دهنده آموزه‌های فرهنگی متناسب و درخور جامعه ایران باشند و تبدیل به فرصتی برای تثبیت مبانی و معیارهای فرهنگی چنین جامعه‌ای شوند.

امروز این امر مطلوب و اساساً ممکن نیست. آنچه در این مسیر راهگشا به نظر می‌رسد افزایش آگاهی عمومی و حساسیت مردم نسبت به تبعات و عواقب سیاست‌های فرهنگی بین‌المللی با تکیه بر اندیشه‌ای خلاق و تحلیل‌گر و پرهیز از موضعی منفعلانه است. همچنین، تبیین مجدانه کاربردهای زبان انگلیسی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و ترسیم طرحی شفاف و قابل اجرا برای استفاده فعالانه از این

منابع

- Abdollahzadeh, E. and Baniasad, S. (2010). Ideologies in the imported English textbooks: EFL learners and teachers' awareness and attitude. *Journal of English Language Teaching and Learning*, 53 (217), 1-17.
- Aryankhah, Z. (2020). The role of promotional discourse in (re)producing social cognition regarding ELT in Iran. Unpublished MA Thesis, Alzahra University, Terhan, Iran.
- Babu, S. (2018). *American policies of teaching the English language worldwide*. Unpublished MA Thesis, Alzahra University, Tehran, Iran.
- Borjian, M. (2013). *English in post-revolutionary Iran: From indigenization to internationalization*. Clevedon, UK: Multilingual Matters.
- Cameron, D. (2012). The commodification of language: English as a global commodity. In T. Nevalainen and E. C. Traugott (Eds.), *The Oxford handbook of the history of English* (pp. 352-361). Oxford: Oxford University Press.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. London: Sage.
- Choudhury, M. (2013). Teaching culture in EFL: Implications, challenges and strategies. *Journal of Humanities and Social Science*, 13(1), 20-24.
- Dewey, M. (2007). English as a lingua franca and globalization: An interconnected perspective. *International Journal of Applied Linguistics*, 17(3), 332-354.
- Floris, F. D. (2014). Learning subject matter through English as the medium of instruction: Students' and teachers' perspectives. *Asian Englishes*, 16(1), 47-59.
- Haghighi, F. M. and Norton, B. (2017). The role of English language institutes in Iran. *TESOL Quarterly*, 51(2), 428-438.
- Hinkel, E. (1999). *Culture in second language teaching and learning*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Horobin, S. (2016). *How English became English*. Oxford: Oxford University Press.
- Kankaanranta, A. and Louhiala-Salminen, L. (2007). Business Communication in BELF. *Business Communication Quarterly*, 70(1), 55-59.
- Khoshsaligheh, M., Jamali, F., and Saeedian, A. (2014). Attitude of Iranian graduate students toward English: A case study. *English Language Teaching*, 1(2), 108-130.
- Kramersch, C. (1993). *Context and culture in language teaching*. Oxford: Oxford University Press.
- Lavrenteva, E. and Orland-Barak, L. (2015). The treatment of culture in the foreign language

- curriculum: An analysis of national curriculum documents. *Journal of Curriculum Studies*, 47(5), 653-684.
- Mirhosseini, S. A. (2008). English and a world of diversities: confrontation, appropriation, awareness. *Applied Linguistics*, 29(2), 312-317.
- Mirhosseini, S. A. (2015). Resisting magic waves: Ideologies of 'English language teaching' in Iranian newspaper advertisements. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 36(6), 932-947.
- Mirhosseini, S. A. and Babu, S. (2020). Policies of English language teaching as part of the global "war of ideas". In A. Al-Issa and S. A. Mirhosseini (Eds.), *Worldwide English language education today: Ideologies, policies, and practices* (pp. 18-34). London: Routledge.
- Mirhosseini, S. A. and Badri, N. (2018). Perspectives of Iranian university students on learning English: A practical need or an international policy push. *Changing English: Studies in Culture and Education*, 25(3), 286-299.
- Mirhosseini, S. A. and Ghafar Samar, R. (2015). Ideologies of English language teaching in Iranian academic research: Mainstream, alternative, and beyond. *Critical Inquiry in Language Studies*, 12(2), 110-136.
- Mirhosseini, S. A., Sazvar, A., and Rashed, F. (2017). "I love foreigners' attitudes towards life": Reproducing lifestyles in an Iranian English language teaching context. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 47(5), 756-772.
- Motezakker, S. (2019). *Executive plans of the U.S. Department of State for English language teaching worldwide*. Unpublished MA Thesis, Alzahra University, Tehran, Iran.
- Pan, L., and Block, D. (2011). English as a 'global language' in China: An investigation into learners' and teachers' language beliefs. *System*, 39(3), 391-402.
- Parsaiyan, S. F. (2014). *From roots to routes: Self-identity pedagogy in English language classrooms*. Unpublished PhD Dissertation, Alzahra University, Tehran, Iran.
- Pennycook, A. (2010). English and globalization. In J. Maybin and J. Swann, (Eds). *The Routledge companion to English language studies* (pp. 113-121). London: Routledge.
- Pennycook, A. (1994). *Cultural politics of English as an international language*. London: Longman.
- Pennycook, A. (1998). *English and the discourses of colonialism*. London: Routledge.
- Pennycook, A. (2016). Politics, power relationships and ELT. In G. Hall (Ed.), *The Routledge handbook of English language teaching* (pp. 26-37). London: Routledge.
- Pennycook, A. and Coutand-Marin, S. (2003). Teaching English as a missionary language. *Discourse: Studies in the Cultural Politics of Education*, 24(3), 337-353.
- Pennycook, A. (2007). *Global Englishes and transcultural flows*. London: Routledge.
- Phillipson, R. (1992). *Linguistic imperialism*. Oxford: Oxford University Press.
- Phillipson, R. (2016). Promoting English: Hydras old and new. In P. Bunce, R. Phillipson, V. Rapatahana, and R. Tupas (Eds.), *Why English? Confronting the Hydra* (pp. 35-46). Clevedon, UK: Multilingual Matters.
- Rajablou, F. and Shirvan, M. E. (2017). Iranian English language learners' attitude towards their accent in English language: An ecological approach. *Englishes in Practice*, 4(1), 1-30.

بایوردی، ا. و کریمیان، ع. (۱۳۹۳). جهانی شدن فرهنگ و تأثیر آن بر هویت ملی ایران. فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۷، شماره ۲۸، صص ۱۰۲-۷۷.

Sadeghi, K. and Richards, J. C. (2016). The idea of English in Iran: An example from Urmia. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 37(4), 419-434.

Scovel, T. (1994). The role of culture in second language pedagogy. *System*, 22(2), 205-219.

Sung, C. C. (2013). Learning English as an L2 in the global context: Changing English, Changing motivation. *Changing English* 20(4), 377-387.

Taki, S. (2008). International and local curricula: The question of ideology. *Language Teaching Research*, 12(1), 127-142.

احمدی پور، ط. (۱۳۸۷). لزوم اتخاذ سیاست زبانی در برابر گسترش زبان انگلیسی. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۳۵، صص ۱۱۹-۱۳۴.

احمدی نژاد، س. و عباس نژاد، م. (۱۳۹۵). جهانی شدن و آموزش زبان انگلیسی در دانشگاه‌های ایران. ارائه شده در کنگره ملی آموزش عالی ایران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

آقاگل‌زاده، ف. و داوری، ح. (۱۳۸۹). جهانی شدن و زوال خرده زبان‌ها و گویش‌ها. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران. دانشگاه سمنان. صص ۳۵-۴۸.

آقاگل‌زاده، ف. و داوری، ح. (۱۳۹۳). جهانی شدن و زبان فارسی: بحثی در ضرورت اتخاذ رویکردی واقع‌بینانه در خصوص جایگاه زبان فارسی در عصر جهانی شدن. نخستین همایش بین‌المللی گسترش زبان و ادبیات فارسی: چشم‌انداز، راهکارها و موانع. شورای گسترش زبان و ادب فارسی. وزارت علوم، پژوهشات و فناوری. تفرشی، آ. و رضانی، ا. (۱۳۹۱). نقش فرهنگ در آموزش زبان خارجی. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۱۲، صص ۱۵-۳۴.

حسینی، م. (۱۳۹۵). امپریالیسم زبانی یا زبان امپریالیسم: ضرورت مواجهه با هژمونی زبان انگلیسی در کشورهای اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۳، صص ۴۳-۷۵.